



## بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور - 16 اردیبهشت/ 1394

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ( ۱ )  
و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

خیلی خوش آمدید عزیزان من! با انفاس طیبه‌ی خودتان این فضا را، این حسینیه را معطر کردید. حقیقتاً نفس معلم نفس طیب است و هر فضایی که معلمین در آن فضا حضور داشته باشند، انسان اطمینان دارد که رحمت الهی و برکات الهی ان شاء الله در آن فضا و در آن مکان خواهد بود. امیدواریم خداوند به شماها توفیق بدهد که این کار بزرگ را، این مسئولیت عظیم را، هم شما معلمین، هم شما مسئولان آموزش و پرورش بتوانید به بهترین وجهی انجام بدهید.

ماه رجب است؛ و در این سرود پر مغز و زیبایی هم که شماها خواندید، اشاره‌ی به ماه رجب، ماه توسل، ماه توجه و دعا شده بود. در این ماه شریف، مؤمنین که دعا میخوانند، از خدای متعال این جور میخواهند: اللَّهُمَّ فَاهِدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ وَ ارْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ. ( ۲ ) چقدر حائز اهمیت است هر سه فقره! فقره‌ی آخر هم که مغفرت است که اساس همه‌ی کارها است: وَ اغْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ. ( ۳ ) هدایت هدایت‌یافتگان و تلاش تلاشگران آن چیزی است که در این دعا از خدای متعال میخواهید. شما تأمل بفرمایید اگر همین دو عامل در من و شما باشد، همه‌ی مشکلات حل خواهد شد؛ هم هدایت‌یافتگان الهی نصیب ما بشود، هم تلاش تلاشگران تاریخ بشریت در رفتار ما، در گفتار ما، در منش ما محسوس باشد. در آن فقره‌ی سوم، آسیب مورد اشاره قرار گرفته است: وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ. غفلت بزرگ‌ترین آسیب است؛ غفلت از مسیر، غفلت از هدف، غفلت از توان، غفلت از فرصت، غفلت از دشمن، غفلت از وظیفه‌ای که امروز بر دوش من و شما است؛ غفلت؛ غفلت بزرگ‌ترین دشمن ما غفلت است. اولین دشمنی که ما را در مقابل دشمنان دیگرمان به خاک می‌نشانند، غفلت است؛ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ. نتیجه‌ی این غفلت دور شدن است؛ دور شدن از خدا، دور شدن از هدف، دور شدن از کامیابی. مضامین دعاها معرفت است، توحید است، درس زندگی است؛ با این توجه دعاها را بخوانیم و از این فضای این ماه بهره ببریم.

هفته‌ی معلم را با یاد مبارک شهید عزیز بزرگوارمان مرحوم آیت الله مطهری نام‌گذاری کردند. شهید مطهری خیلی خصوصیات ممتازی داشت لکن به نظر من شاخصه‌ی شخصیت او معلمی بود؛ معلم بود؛ در حوزه معلم بود، در دانشگاه معلم بود، در محیط زندگی معمولی هم معلم بود، سخنرانی‌های او هم تعلیم بود، درس بود؛ چون با اخلاص بود، چون با اجتهاد بود؛ یعنی با تلاش. بنده نمونه‌های تلاش علمی این بزرگوار را از نزدیک دیده بودم. برای هر موضوعی یادداشت‌هایی داشت؛ در هر جا یک نکته‌ای مشاهده میکرد، آن را فوراً برمیداشت یادداشت میکرد و در یک جای مشخصی میگذاشت. ایشان به من نشان داده بود پакت‌هایی را که درباره‌ی موضوعات مختلف در اینها یادداشت کرده بود. من همان وقت تعجب میکردم چه حوصله‌ای، چه نشاطی، چه پیگیری و تلاشی! خب، نتیجه این است که امروز ۳۵ سال از شهادت این مرد میگذرد، [اما] کتابهای او و حرفهای او همچنان زنده است. امروز همان کتابها، همان حرفها، همان تعلیمات به درد نسل جوان امروز ما میخورد، به درد محققین ما میخورد. البته نمیخواهیم بگوییم که اینها کفایت میکند؛ نه، حرفهای جدیدی هست، افکار جدیدی هست، شبهات جدیدی هست و بایستی کسانی مطهری‌وار کار کنند؛ لکن این نام نام ماندگاری است.



خب، امروز بنده عمده‌ی عرایضی که می‌خواهم عرض کنم، چند نکته در باب آموزش و پرورش است. حالا مسائل دیگری هم داریم، شاید به آنها هم بپردازیم اما مسئله‌ی عمده‌ی ما امروز مسئله‌ی آموزش و پرورش است؛ مسئله‌ای که برای بنده مهم است. علت هم این است که آموزش و پرورش در واقع آن کانون اساسی برای خلق دنیای آینده است. بالاخره ما فردایی خواهیم داشت، ۲۰ سال دیگر، ۲۵ سال دیگر، نسلی روی کار خواهند آمد که امروز این نسل مشغول تولید شدن است، در حال به وجود آمدن است؛ مولد آن هم معلم و آموزش و پرورش است. شما دارید یک نسل را تولید میکنید؛ چگونه آن را تولید خواهید کرد؟ این خیلی اهمیّت دارد. آینده‌ی کشور، آینده‌ی دنیای ما به تلاش امروز آموزش و پرورش وابسته است؛ این کم‌چیزی نیست. ما هیچ دستگاه دیگری را نداریم که این قدر حائز اهمیّت باشد. بله، در دانشگاه هم درس می‌خوانند، در حوزه‌ی علمیّه هم درس می‌خوانند، در محیط‌های اجتماعی هم تربیت میشوند اما نقش تأثیرگذار معلم بی‌بدیل است؛ نقشی که معلم میتواند در اثرگذاری فکری و روحی این مخاطبی که کودک امروز ما و مرد و زن آینده‌ی ما است، داشته باشد - در دوران کودکی، در دوران نوجوانی تا تمام این دوره‌ی دوازده سال - نظیر ندارد، بی‌بدیل است؛ نه پدر، نه مادر، نه محیط، هیچ‌کدام این نقش را ندارند. معلم یک چنین چیزی است؛ آموزش و پرورش یک چنین دستگاهی است. از لحاظ تماس با محیط زندگی مردم هم بیشترین سطح تماس با جامعه را آموزش و پرورش دارد؛ شما نزدیک به ۱۳ میلیون دانش‌آموز دارید، با پدر و مادرهایشان - که ۲۶ میلیون پدر و مادرهای اینها هستند - این شد ۳۹ میلیون، یک میلیون هم معلمان و کارمندان آموزش و پرورش؛ تقریباً ۴۰ میلیون انسان به‌طور مستقیم با این دستگاه مرتبطند؛ شما کدام دستگاه دیگر را دارید که این چنین سطح تماس اثرگذار و مهمی با جامعه داشته باشد؟ اینکه روی آموزش و پرورش تکیه میکنیم، به‌خاطر اینها است.

خب، من یک کلمه درباره‌ی این دستگاه عرض بکنم و آن این است - بارها هم این را گفته‌ایم، (۴) باز هم تکرار میکنیم - که برای یک چنین دستگاهی هرچه ما هزینه کنیم، هزینه نیست، سرمایه‌گذاری است؛ به این چشم به اقتصاد آموزش و پرورش نگاه کنیم. اقتصاد آموزش و پرورش مثل اقتصاد هیچ دستگاه دیگری نیست؛ اینجا شما هرچه خرج میکنید، در واقع دارید سرمایه‌گذاری میکنید؛ این آن جمله‌ی اساسی و اصلی‌ای است که بنده توقع دارم مسئولان کشور، مسئولان دولتی و مردم ما به این نکته توجه کنند. خب، این [درباره‌ی اهمیّت] دستگاه آموزش و پرورش.

در این دستگاه بزرگ آن نقطه‌ی محوری، آن میان‌دار، آن علم‌داری که در واقع او دارد میدان را اداره میکند و همه بایستی تدارکات او را فراهم کنند، کیست؟ معلم. میدان‌دار اصلی معلم است. دستگاه‌های گوناگون، سازمان‌های گوناگون، سندهای مختلف، کتاب درسی، بقیّه و بقیّه، همه پشتیبان‌های این میان‌دار اصلی‌اند. معلم خوب آن موجودی است که تأثیر او - همین‌طور که عرض کردیم - بی‌بدیل است؛ اگر ما معلم خوب داشته باشیم، حتی در یک نظامی مثل نظام مکتب‌خانه، خواهد توانست مردان بزرگ تربیت بکند؛ کما اینکه می‌بینید [تربیت] کردند. معلم خوب میتواند مردان بزرگ، انسان‌های بزرگ، شخصیت‌های برجسته را خلق کند، به‌وجود بیاورد، ولو در یک دستگاهی که آن دستگاه خیلی سازگار نیست؛ پس اصل، معلم است.

خب، معلم می‌خواهد چه کار بکند؟ من اینجا یادداشت کردم؛ تولید یک نسلی با این خصوصیات: دانا باشد، باایمان باشد، دارای اعتماد به نفس باشد، دارای امید باشد، دارای نشاط باشد، دارای سلامت جسمی و روحی باشد، روشن‌بین



باشد، بااراده باشد، کم‌هزینه و پرفایده باشد؛ معلم، نسلی این‌جوری را می‌خواهد تربیت کند؛ اینها چیز کمی نیست. اینکه گفته میشود معلم کار انبیا را میکند، خوب، این یک کلمه حرفی است که ما می‌زنیم؛ برویم در عمق این حرف؛ این حرف یعنی چه؟ یُرْکِبُهُمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَ الْحِکْمَةَ؛ (۵) کار انبیا این است؛ کار انبیا نجات بشریت است، کار انبیا ایجاد یک جامعه‌ی انسانی برتر و والاتر است؛ این است کار انبیا؛ می‌گوییم «معلم، شاغل شغل انبیا است»، «معلمی شغل انبیا است»، عمق این حرف و مغز این حرف این است. این شد معلم.

خب، این الزاماتی دارد. یکی از الزامات، همان مسئله‌ی اقتصاد است که عرض کردم؛ اقتصاد آموزش و پرورش، معیشت معلمان، یکی از الزامات است. محدودیتهای دستگاه‌های دولتی را میدانیم؛ بیگانه نیستیم از محدودیتهای و اشکالاتی که وجود دارد ولیکن بایستی همّت در مسئولین دولتی این باشد که این بخش را مورد یک توجّه ویژه قرار بدهند. همان‌طور که عرض کردیم، این سرمایه‌گذاری است؛ این بازده دارد؛ این ارزش‌افزوده تولید میکند؛ این یک خرج و هزینه‌ی صرف نیست؛ این بایستی جزو مسائل درجه‌ی یک ما در مدیریتهای دولتی و در تصمیم‌های دولتی باشد. ما نکنیم، دشمن سوءاستفاده میکند؛ می‌بینید دیگر. از همین نقطه، دشمن با رسانه‌ی خود، در رادیوی خود، با عوامل خود، با آدمهای بددل نسبت به نظام و نسبت به اسلام، با این ابزارها و وسائل دشمن سوءاستفاده خواهد کرد. البته معلمان ما، هم بیدارند، هم نجیبند، هم مؤمنند؛ حقیقتاً این را من اعتقاد دارم؛ در طول این سالها این را آزمودیم، امروز هم در سطح کشور می‌بینیم؛ معلمان ما از توطئه‌ی دشمن غافل نیستند. اینهایی که با عنوان «معیشت» یک شعاری میدهند، چند شعار فتنه‌گرانه و سیاسی و خطی هم در پهلویش می‌گنجانند، این را همه کس می‌فهمند که انگیزه‌ی اینها انگیزه‌ی سالمی نیست، برای دلسوزی از معلم نیست، هدفهای دیگری دارند. کما اینکه فلان رسانه‌ی خارجی که شروع میکند روی این مسئله فعالیت کردن - که می‌بینید همین حالا هم مشغولند، از مدتی پیش بیشتر مشغولند - این از روی دلسوزی نیست؛ این برای مشکل درست کردن برای نظام است، برای دردرس درست کردن برای نظام است؛ از روی بددلی و کینه‌جویی نسبت به اسلام و نسبت به استقلال کشور و نسبت به نظام جمهوری اسلامی است؛ ولی بالاخره بهانه دست اینها نباید داد. دستگاه‌های دولتی و مسائل مالی و اقتصادی به این نکته توجّه کنند؛ این را جزو برنامه‌های اصلی خودشان قرار بدهند. این یک مطلب است. البته همان‌طور که عرض کردیم معلمان باید مراقب باشند و هستند؛ خوشبختانه معلمان ما مراقبند. [اینکه] بعضی‌ها جفای به نظام را، جفای به انقلاب را به هر شکلی بتوانند انجام میدهند - نیش خودشان را می‌زنند، زهر خودشان را میریزند، با نظام بدند - از روی بغض به نظام است، نه از روی محبت به معلم؛ هر شعار دیگری هم پیدا کنند، همین استفاده را میکنند.

یک مسئله‌ی دیگر مسئله‌ی دانشگاه فرهنگیان است که من قبلاً، هم در صحبت‌های خصوصی با وزیر محترم، هم در صحبت عمومی در جمع معلمان، به این مسئله اشاره کرده‌ام؛ دانشگاه فرهنگیان خیلی مهم است. همه‌ی فرایندهایی که منتهی میشود به جذب معلم، برای تدریس و برای تعلیم و تربیت، بایستی سالم و با معیار اسلام و انقلاب سنجیده بشود. اگر این کار را کردیم، نتیجه همان چیزی خواهد بود که شما می‌خواهید؛ هم مورد رضای خدا خواهد بود، هم برای آینده‌ی کشور - همان‌طور که عرض کردم - مؤلّد یک نسل باعظمت و امیدبخش خواهد بود؛ اگر این رعایتها نشود، نه. در دانشگاه فرهنگیان، هم موادّ درسی و محتوای دروس مهم است، هم اساتید مهمّند، هیئت علمی مهم است. بنا است ما چه کسی را، چه جور آدمی را تربیت کنیم و بفرستیم سراغ بچه‌های مردم که بروند آنها را بسازند و تولید انسان بزرگ بکنند؟ این خیلی مهم است. بنابراین مسئله‌ی صلاحیتهای، مسئله‌ی اساتید، مسئله‌ی کتابهای درسی، محتوای درسی در دانشگاه خیلی مهم است.



یک مسئله هم مسئله‌ی تحوّل بنیادین آموزش و پرورش است که خوشبختانه امروز وزیر محترم مورد اشاره قرار دادند و فعالیتهایی که انجام گرفته است را فی‌الجمله بیان کردند؛ بنده هم گزارشش را قبلاً دیده‌ام. آنچه مهم است این است که در باب این تحوّل بنیادین، اصل اینکه نظام آموزش و پرورش ما احتیاج به یک تحوّل دارد را همه پذیرفته‌اند. این نظام قدیمی آموزش و پرورش در کشور، اگر هیچ عیب دیگری هم نمیداشت، همین که با گذشت زمان هیچ نوآوری در آن به وجود نیامده بود، کافی بود که انسان آن را رد کند و معتقد باشد به تحوّل بنیادین. این سند تحوّل هم که خوشبختانه دو سه سال پیش فراهم شد و ابلاغ شد (۶) و بر اساس آن برنامه‌ریزی شد، از نظر کارشناسان زبده و برجسته‌ی آموزش و پرورش، یک سند خوبی است، سند متینی است؛ آنهایی که اهل این کارند، خبره‌ی این کارند، این سند را تأیید میکنند؛ میگویند سند تحوّل بنیادین که با ساعتها کار، با زمانهای طولانی و با تلاش فراهم شده است، همه کمک کرده‌اند که این سند بحمدالله فراهم شد و ابلاغ شد، این را کارشناس‌ها و خبره‌های آموزش و پرورش تأیید میکنند و میگویند سند بسیار متقن و مهمی است. پس این سند باید اعمال بشود. البته از این جور چیزها، منتظر نتایج زودبازده نباید بود، اینها چیزهایی نیست که ظرف یک‌سال و دو سال و پنج‌سال نتایجش ظاهر بشود؛ اینها چیزهایی است که صبر و حوصله لازم دارد، کار لازم دارد، کار مستمر لازم دارد.

یک نکته این است که انسجام این سند حفظ بشود. اشاره کردند که یک تعدادی از مواد این سند اجرایی شده است؛ خوب است، لکن همه‌ی مواد این سند باید اجرایی بشود؛ این یک مجموعه‌ی منسجم است. اینکه ما برخی از مواد را، فرض کنید چهل ماده یا در این حدود را اجرایی کنیم، بقیه را مغفول بگذاریم، این به نتیجه نخواهد رسید. انسجام این مجموعه بایستی حفظ بشود. وقتی همه‌ی مواد این مجموعه مورد عمل قرار گرفت، آن وقت کار پیش خواهد رفت، سرعت پیدا خواهد کرد، درست انجام خواهد گرفت.

یک نکته‌ی دیگر این است که بدنه‌ی آموزش و پرورش کشور با این سند آشنا بشوند؛ مطالبات این سند را بدانند که چیست. معلمی که در فلان مقطع دبستان یا دبیرستان تدریس میکند، بداند که این تحوّل بنیادین از شخص او چه خواسته است. مدیر و رئیس دبستان یا دبیرستان بداند که وظیفه‌ی او و تکلیف او در قبال دانش‌آموز بر اساس این سند چیست. مطالبات این سند باید مشخص بشود؛ بایستی برنامه‌ریزی کرد برای اینکه ما مطالبات سند را در سطح وسیع و گسترده‌ی آموزش و پرورش تفهیم کنیم، بحث کنیم.

یک مسئله‌ی دیگر [این است] که دستگاه‌های تبلیغی و رسانه‌ی ملی باید به کمک بیایند. حتی گاهی پیشنهاد میشود که یک شبکه‌ی صداوسیما مخصوص این کار باشد که بتواند این موضوع را تبیین کند و تفهیم کند. این البته بستگی دارد به اینکه مسئولین آموزش و پرورش بنشینند با مسئولین صداوسیما و آنها هم همراهی کنند.

یک موضوع دیگری که در این مسئله‌ی سند مهم است که وزیر محترم هم خوشبختانه امروز اشاره کردند، ظرفیت برنامه‌ی ششم است. الان سیاستهای برنامه‌ی ششم در حال تدوین است، بعد هم خود برنامه را تدوین میکنند، تصویب میکنند، اجرا میکنند. در ضمن این برنامه و در ذیل این برنامه، مسئله‌ی آموزش و پرورش و سند تحوّل بنیادین باید حتماً دیده بشود تا بدانیم ما در سال ۱۴۰۴ چه خواهیم داشت در آموزش و پرورش.

یک نکته‌ی اساسی این است، این را من به مسئولین آموزش و پرورش عرض میکنم، مراقب باشید که برنامه‌های



دم‌دستی و تغییر و تبدیل‌های سطحی و روزمره جای تحول بنیادین را نگیرد؛ ما را راضی نکند، خوشحال نکند که ما داریم تغییر می‌دهیم. تغییرات سطحی مهم نیست؛ اساس، همان مواد تحول بنیادین است که بتدریج این بنا نوسازی بشود؛ این مهم است.

خوشبختانه شرایط هم آماده است؛ من نگاه که به سطح کشور می‌کنم؛ به‌نظر می‌رسد که امروز شرایط شما و مسئولان محترم آموزش و پرورش برای کیفی کردن آموزش و پرورش، برای تحول اساسی و بنیادین در این دستگاه مهم و حساس آماده‌تر است. یک‌روزی ما هجده میلیون دانش‌آموز داشتیم، امروز کمتر از سیزده میلیون دانش‌آموز داریم؛ این یک فرصت است. یک‌روزی بود که ما از لحاظ فضاهای آموزشی دچار عسرت جدی بودیم؛ مدارس دو نوبته و سه نوبته در سطح کشور کم نبود؛ امروز خوشبختانه آن وضعیت وجود ندارد. در اغلب جاهای کشور، مدارس وضع خوبی دارند؛ افرادی هم علاقه‌مندند، می‌آیند و وارد میشوند که بایستی این جریان [حفظ شود]. امروز بنابراین شرایط آماده است برای اینکه ما بتوانیم این تحول را انجام بدهیم. به‌رحال خوشبختانه کشور دارای ثبات است، دارای امنیت است، مسئولین دولتی با علاقه‌مندی مشغول کار هستند. امروز روزی است که ما بتوانیم ان‌شاءالله آموزش و پرورش را از لحاظ کیفی، از لحاظ محتوایی، از لحاظ بنیانی به یک نقطه‌ی اساسی برسانیم. و همین‌طور که عرض کردم محور این تحول معلمین هستند؛ آن کسی که در وسط میدان ایستاده است، شما معلمین عزیز هستید. من به همه‌ی معلمین سرتاسر کشور، به این وسیله و در این موقعیت سلام عرض می‌کنم و امیدوارم خداوند همه‌ی معلمین عزیز را در کنف حمایت خودش حفظ کند.

یک نکته‌ی خارج از مقوله‌ی آموزش و پرورش وجود دارد که جزو مسائل اساسی کشور است و آن، نوع برخورد دشمنان با نظام جمهوری اسلامی است. در طول این ۳۵ سالی که گذشته است، همواره و همیشه هیبت این حرکت عظیم مردمی، چشم دشمنان جمهوری اسلامی را گرفته است. خیلی رجزخوانی کردند، هرچه توانستند تلاش کردند اما ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در نظر اینها هیبت داشته است؛ این هیبت را ما باید حفظ کنیم؛ این هیبت بایستی محفوظ بماند؛ واقعیت هم هست، توهّم نیست. ما یک کشور بزرگ، یک ملت هفتادوچند میلیونی، دارای سابقه‌ی فرهنگی و تاریخی عمیق و اصیل بیش از بسیاری از نقاط عالم، دارای شجاعت، دارای عزم، ملتی که از هویت خود و از شخصیت خود دفاع میکند [هستیم]؛ یک نمونه‌اش در هشت سال دفاع مقدّس ظاهر شد. در این هشت سال همه‌ی قدرتمندان دنیا - شرق و غرب - و وابستگان آنها و مرتجعین و همه و همه، دست به هم دادند تا ملت ایران را به زانو دریاورند [اما] نتوانستند. جا ندارد که این ملت، هیبت و عظمت در چشم ناظران جهانی پیدا کند؟ این عظمت را باید حفظ کرد. ما نظامی هستیم که مسئولان سیاسی کشورهای گوناگون و آنهایی که خبر دارند، این را به ما گفتند؛ بعضی به ما گفتند - بعضی دلشان نیامده به ما بگویند و در جمعهای خودشان گفتند و خبرش به گوش ما رسیده است - که این تحریمهایی که اینها علیه ایران وضع کرده‌اند و این فشاری که علیه جمهوری اسلامی راه انداخته‌اند، علیه هر کشور دیگری بود، او را منهدم میکرد، متلاشی میکرد اما به جمهوری اسلامی تکان هم نتوانسته وارد کند. این چیز کوچکی نیست؛ این خیلی حادثه‌ی بزرگی است البته تبلیغات جهانی یک پوششی، یک پرده‌ای، یک غباری همواره در مقابل مخاطبان خود قرار میدهد که نمیگذارد خیلی‌ها واقعیتها را ببینند؛ اما درعین حال بسیاری از مردم دنیا، بسیاری از ملتها بخصوص آنهایی که به ما نزدیکند، واقعیتها را می‌بینند؛ و همه‌ی مسئولین سیاسی دنیا واقعیتها را می‌بینند؛ نگاه نکنید به حرفهایشان؛ همین رؤسا و مسئولان سیاسی و سخنگویان دستگاه‌های مختلف غرب و اروپا و آمریکا و دیگران که گاهی حرفهای بی‌ربطی هم می‌زنند، همه‌ی اینها در دلشان این عظمت را، این هیبت را، این اقتدار را، این لیاقت را برای ملت ایران تصدیق میکنند و می‌بینند منتها در زبان جور





دیگری عمل میکنند.

من مکرر گفته‌ام راجع به این مذاکرات و [مسائل] هسته‌ای و امثال اینها؛ حرف زیاد زده‌ایم و آنچه باید بگوییم، گفته‌ایم لکن همه توجه داشته باشند - هم مسئولین سیاست خارجی ما، هم مسئولین گوناگون دیگر، هم نخبگان جامعه - یک ملت اگر نتواند از هویت خود، از عظمت خود، آن چنان که هست، در مقابل بیگانگان دفاع بکند، قطعاً توسری خواهد خورد؛ بروبرگرد ندارد. باید قدر شخصیت و هویت خود را دانست. دشمن تهدید میکند، همین چندروزه، دو نفر از مقامات رسمی آمریکا تهدید نظامی کردند؛ (۷) حالا کار به آن افرادی که مسئولیتهای خیلی مهم و حساسی ندارند، نداریم. من نمیفهمم مذاکره در زیر شبح تهدید چه معنایی دارد؟ مذاکره کنیم زیر شبح تهدید! مثل اینکه یک شمشیری بالای سر [ما باشد]. ملت ایران این جور نیست؛ ملت ایران مذاکره‌ی زیر سایه‌ی تهدید را برنمیتابد. چرا تهدید میکنند؟ چرا غلط زیادی میکنند؟ میگویند اگر چنین نشود، چنان نشود، ممکن است ما حمله‌ی نظامی به ایران بکنیم؛ اولاً که غلط میکنید؛ ثانیاً من در زمان رئیس‌جمهور قبلی آمریکا - آن وقت هم تهدید میکردند - گفتم دوران بزن و دررو تمام شده؛ (۸) این جور نیست که شما بگویید میزنیم و درمیرویم؛ نخیر، پاهایتان گیر خواهد افتاد و ما دنبال میکنیم. این جور نیست که ملت ایران رها کند کسی را که بخواهد به ملت ایران تعرضی بکند؛ ما دنبال خواهیم کرد. این معنا را همه توجه داشته باشند؛ مذاکره‌کنندگان ما هم توجه داشته باشند؛ خطوط قرمز و خطوط اساسی که گفته شده است، همواره در نظرشان باشد که البته لابد هست، ان شاء الله مورد نظرشان هست و از این خطوط عبور نخواهند کرد؛ اما این معنا هم قابل قبول نیست که آنها مدام بنشینند تهدید بکنند. چه تهدیدی؟ شما به این مذاکرات کمتر از ما احتیاج ندارید؛ بله، ما دوست داریم تحریمها برداشته بشود اما اگر تحریم هم برداشته نشود ما میتوانیم از طرق دیگری خودمان را اداره کنیم؛ این ثابت شده. یک روزی بنده این را مطرح کردم، (۹) امروز خوشبختانه می‌بینیم اقتصاددان‌ها، مسئولین گوناگون، افراد وارد در مسائل اقتصادی کشور، همه دائماً این را تکرار میکنند؛ میگویند این جور نیست که مسائل اقتصادی کشور وابسته‌ی به این تحریمها باشد تا با برداشتن تحریمها، مشکلات اقتصادی برطرف بشود؛ نه، مشکلات اقتصادی با اراده‌ی خودمان، با نیت خودمان، به دست خودمان، با تدابیر خودمان ممکن است برطرف بشود؛ چه تحریم باشد، چه نباشد. البته تحریم نباشد، آسان‌تر است؛ تحریم باشد یک قدری مشکل‌تر است اما ممکن است. مسئله‌ی ما نسبت به مذاکرات یک چنین موضعی است. اما دولت کنونی آمریکا به این مذاکرات نیاز واقعی دارد؛ اینها در کارنامه‌ی خودشان، یک نقطه‌ی اساسی که میتوانند مطرح کنند، این است که ما توانستیم جمهوری اسلامی ایران را بیاوریم سر میز مذاکره و فلان مطلب را به او تحمیل کنیم؛ (۱۰) اینها احتیاج دارند به این. اگر احتیاج طرف مقابل به این مذاکرات بیشتر از ما نباشد - که حتماً هست - لااقل کمتر از ما نیست؛ چرا تهدید میکنند؟ بنده با مذاکراتی که در زیر شبح تهدید انجام بگیرد، موافق نیستم. بروند حرف بزنند، مذاکره کنند، به توافق برسند، اشکالی ندارد - البته درحالی که آن خطوط اصلی را رعایت کرده باشند - لکن به هیچ وجه تحمیل را قبول نکنند، زور را قبول نکنند، تحقیر را قبول نکنند، تهدید را قبول نکنند.

امروز آبروی اینها در دنیا هم رفته است. شما ملاحظه کنید این حرکتی که دولت سعودی در مسئله‌ی یمن دارد انجام میدهد، در هیچ منطقی، با هیچ بیانی قابل توجیه نیست. انسان هواپیما را بفرستد به یک کشور دیگری به دلیل اینکه چرا شما فلان کس را به ریاست قبول دارید، فلان کس را قبول ندارید؛ بنا کنند مردم را بزنند، زیرساخت‌ها را بزنند، جنایت بکنند، زن و کودک بکشند، همه‌جا را به آتش بکشند؛ این هیچ توجیهی ندارد. آمریکایی‌ها از همین حرکت غیر قابل توجیه و این جنایت عظیم دارند پشتیبانی میکنند. از این بی‌آبرویی بیشتر؟



آمریکا امروز در نظر ملت‌های منطقه هیچ آبرویی ندارد؛ همه این وضعیت را دارند می‌بینند؛ صریحاً هم می‌گویند ما پشتیبانی نمی‌کنیم، (۱۱) خجالت هم نمی‌کشند؛ آن وقت به ما می‌گویند شما چرا کمک می‌کنید؟ ما می‌خواستیم کمک دارویی بکنیم، ما می‌خواستیم برای مریضها دوا بفرستیم؛ ما که نمی‌خواستیم سلاح بفرستیم؛ آنها به سلاح ما احتیاج ندارند؛ همه‌ی پادگانهای یمن و ارتش یمن در اختیار مردم مبارز و انقلابی و در اختیار این گروه انصارالله است؛ آنها احتیاج به سلاح ما ندارند؛ ما می‌خواستیم دوا برایشان بفرستیم. شما آمدید یک ملت را محاصره‌ی دارویی کردید، محاصره‌ی غذایی کردید، محاصره‌ی انرژی کردید، آن وقت می‌گویید کسی به اینها کمک نکند! شما حتی به هلال احمر اجازه‌ی خدمات ندادید؛ آن وقت خودشان دارند از آن طرف، اطلاعات نظامی به سعودی‌ها می‌دهند، سلاح می‌دهند، امکانات می‌دهند، تشویق سیاسی می‌کنند؛ اینها آبرو ندارند. ملت ایران راهی را که انتخاب کرده است، راه متین و مستحکم و خوش‌عاقبتی است و به توفیق الهی و به کوری چشم دشمنان، این راه به نتایج خود خواهد رسید و ملت ایران موفق خواهد شد؛ و دشمنان خواهند دید که نتوانسته‌اند علیه ملت ایران اهداف شوم خودشان را عمل کنند.

رحمت خدا بر شهدای عزیز ما که جان‌فشانی کردند، و بر امام بزرگوار ما که این راه را در مقابل ما باز کرد؛ و رحمت خدا بر شما برادران و خواهران عزیز مؤمن و علاقه‌مند که این جور در صحنه حضور دارید.  
والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

۱) قبل از شروع بیانات معظم‌له، آقای علی‌اصغر فانی (وزیر آموزش و پرورش) گزارشی ارائه کرد.

۲) اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۶۴۳

۳) همان

۴) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور (۱۳۹۰/۲/۱۴)

۵) سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۶۴؛ «...پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد...»

۶) ابلاغ سیاستهای کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور (۱۳۹۲/۲/۱۰)

۷) اشاره به اظهارات جو بایدن (معاون رئیس‌جمهور آمریکا) و جان کری (وزیر خارجه‌ی آمریکا) درباره‌ی مطرح بودن همه‌ی گزینه‌ها برای مقابله با ایران!

۸) بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام (۱۳۸۶/۶/۳۱)

۹) از جمله، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام (۱۳۹۳/۴/۱۶)

۱۰) اشاره به اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا پس از صدور بیانیه‌ی لوزان

۱۱) اشاره به بیانیه‌ی وزارت خارجه‌ی آمریکا در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۱۵ و اعلام حمایت آمریکا از تجاوز دولت سعودی به کشور یمن.